

## مطالعه و تحلیل گونه‌شناختی اثرمهرهای دوره‌ی سلوکی

کمال‌الدین نیکنامی

استاد گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران

رضا قاسمی

دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه تهران

r.ghasemi.64@ut.ac.ir

رضوان رضائی

دانشجوی کارشناسی‌ارشد باستان‌شناسی دانشگاه تهران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۹/۲۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۹/۲۵  
(از ص ۱۴۵ تا ۱۶۲)

### چکیده

با توجه به اهمیت نقش اثرمهرها در مطالعات باستان‌شناسی، بررسی این آثار کمک شایانی به ما در زمینه مطالعه و تحلیل گونه‌شناختی اثرمهرهای دوره سلوکی می‌نماید. به‌دلیل کمبود منابع پیرامون باستان‌شناسی دوره‌ی سلوکی، بررسی اثرمهرهای این دوره می‌تواند جلوه‌های تازه‌ای از هنر مهرسازی دوره مذکور را پدیدار سازد. در مقاله‌ی پیش‌رو با استفاده از روش کتابخانه‌ای بیش از ۱۴۴ اثرمهر از نقاط مختلف حکومت سلوکی که در مقالات و کتاب‌های مختلف منتشر شده تحلیل و بررسی می‌گردد. نقوش اثرمهرها، از نظر سبک و نقش‌مایه دارای شیوه‌های متفاوت و ترکیبی است و شامل تصاویر: انسانی، الهه‌های یونانی، حیوانات گوناگون، نقوش متفرقه، اساطیری و هندسی بوده که نقش‌مایه‌های انسانی بیشتر موضوعات اثرمهرهای این دوره را به‌خود اختصاص داده‌اند. پس از نقش‌مایه‌های انسانی که نیمی از اثرمهرها را شامل می‌شوند، نقوش اساطیری نیز از فراوانی بالایی برخوردارند. بر روی اثرمهرهای این دوره تأثیرات هنر مهرسازی ادوار هخامنشی، یونانی، آشوری و بابلی به‌خوبی قابل مشاهده است. نوشتار حاضر ضمن تحلیل نقوش ذکر شده، به نحوه کاربرد اثرمهرها در ساختار اداری-سیاسی سلوکیان پرداخته و هم‌گونی‌های سبکی و نقش‌مایه‌ای آن‌ها را از طریق مقایسه با محوطه‌های دیگر امکان‌پذیر می‌سازد.

**کلیدواژه‌گان:** دوره‌ی سلوکی، اثرمهر، نقش‌مایه، گل‌مهرهای اداری، ریخت‌شناسی.

## مقدمه

مهرها و اثرمهرها، از داده‌های با اهمیت در باستان‌شناسی به حساب می‌آیند و سهم چشم‌گیری در شناسایی فرهنگی، اقتصاد، سیاست و هنر جوامع پیشین دارند. این داده‌ها از ارزشمندترین و مهم‌ترین آثار باقی‌مانده از دوره‌های پیش از تاریخ تا زمان حاضر می‌باشند. با بررسی و مطالعه این آثار گرانبها می‌توان به جنبه‌های گوناگون زندگی ساکنان فلات ایران طی سالیان متمادی پی برد (Collon, 1987: 3). در دهه‌های اخیر، گرایش فزاینده‌ای در زمینه مطالعات مهر و مهرشناسی در ایران به‌وجود آمده؛ به‌طوری که مهرهایی از ادوار مختلف در موزه ملی ایران گردآوری شده است (طلایی، ۱۳۹۲). پژوهش و مطالعه بر روی مهرها و اثرمهرها با دیدگاه‌های متفاوت صورت گرفته که برخی آن را به‌عنوان اشیاء هنری و برخی دیگر مهرها را به مثابه مدارکی از الگوها و راه‌های تجاری و بررسی سیستم‌های اداری و حقوقی مورد توجه قرار داده‌اند (همان). نقش مهرها در ادوار گوناگون، متفاوت بوده و عملکرد و کارکردهایی چون هدیه، رسید قرض، مدارک حقوقی، اوامر مکتوب، رسید کالا و مهور نمودن مدارک نوشتاری برای کاربری مهرها ذکر شده است (Pittman, 1987: 13). این احتمال دور از ذهن نیست که اثرمهرهای باقی‌مانده از دوره‌ی سلوکی نیز به مانند دیگر دوره‌ها می‌توانند در بردارنده‌ی الگوهای اداری و اقتصادی، نظام مدیریت و سلسله مراتب اجتماعی باشند. مجموعه اثرمهرهای این دوره از بافت‌های مسکونی و اداری به‌دست آمده و دارای نقش‌مایه‌های متنوع و متفاوت می‌باشند. مقاله‌ی پیش‌رو در نظر دارد تا با تبیین و تفسیر ویژگی‌ها و نقوش اثرمهرهای دوره سلوکی، بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌ها را از نظر سبک و نقش‌مایه امکان‌پذیر سازد. در این مقاله، اثرمهرهایی از محوطه‌های شوش، قومس، سلوکیه، هگمتانه، سلوکیه، سپیبار، اروک و کدش بررسی خواهند شد. علت انتخاب ۱۴۴ عدد از اثرمهرها نیز در دسترس بودن آن‌ها می‌باشد؛ زیرا منابع موجود در این زمینه بسیار اندک بوده و در برخی از موارد نیز مانند اثرمهرهای به‌دست آمده از سلوکیه، از مجموع ۲۵۰۰۰ اثرمهر فقط تعداد معدودی از آن‌ها به‌صورت مقالات کوتاه منتشر شده است. به همین علت نیز آمار و ریخت‌شناسی این اثرمهرها بر پایه همین تعداد از نمونه‌ها استوار خواهد بود.

## روش تحقیق

روش تحقیق و پژوهش در این مقاله، شامل مطالعه و تحلیل کتابخانه‌ای و ترجمه‌ی منابع مطالعاتی منتشر شده و تهیه‌ی شناسنامه و عکس از اثرمهرهای سلوکی موجود در موزه‌های داخل و خارج از کشور از طریق مراجعه حضوری و مجازی می‌باشد.

## پیشینه تحقیق

صنعت مهرسازی دوران سلوکی چندان مورد توجه قرار نگرفته و ویژگی مهرها و اثرمهرهای این دوره نسبت به دیگر دوره‌های تاریخی، مانند ادوار هخامنشی و ساسانی، به‌طور محسوسی ناشناخته می‌باشد؛ از طرفی، به علت کمبود منابع و داده‌های خام تعداد انگشت‌شماری مقاله در این زمینه منتشر شده است. از کسانی که در زمینه مهرهای سلوکی مطالبی را منتشر کرده‌اند، می‌توان به: (Von Der Osten 1957)،

(Collodge 1977)، (Collon 1987)، (Messina 2006)، (Wallenfels 1998)، (Herbert 2005)، (Unvala 1934)، (Bivar 1982) و (Invernizzi 1994) اشاره کرد؛ اما تا به امروز پژوهش منسجم و فراگیری در این زمینه صورت نگرفته و فقط با ارائه کاتالوگ‌های مختصر و محدود و یا گونه‌شناسی این نمونه‌های ارزشمند، سعی بر ایجاد اشتراک و هم‌گونی میان اثرمهرها با نمونه‌های ادوار هخامنشی و ساسانی شده است. ذکر این نکته نیز ضروری است که تمامی مقالات و کتاب‌های یاد شده متعلق به محققان اروپایی و امریکایی بوده و در بین آن‌ها نامی از پژوهشگران ایرانی به چشم نمی‌خورد.

### کلیاتی در مورد سلوکیان

در سال ۳۱۲ ق.م. سلوکوس، سردار اسکندر مقدونی با فتح سرزمین‌های مفتوحه هخامنشی سراسر ایران را به تصرف درآورد و حکومت سلوکیان را تأسیس نمود (ویسهوفر، ۱۳۹۰: ۱۴۴). این حکومت شرقی از بین‌النهرین تا افغانستان را شامل می‌شد و تخت‌گاه آن نیز شهر سلوکیه بود (کالج، ۱۳۵۶: ۳۶). حکومت سلوکی، شامل جهان ایرانی، بابل قدیم، شهرهای فینیقیه و آسیای صغیر می‌شد (گیرشمن، ۱۳۷۲: ۲۶۰) و تا نیمه قرن اول ق.م. نیز دوام آورد. به تدریج از اواسط قرن سوم ق.م. نهضت‌هایی علیه سلوکیان شکل گرفت که مهم‌ترین آن‌ها از جانب اشکانیان بود؛ اما در نهایت بقایای حکومت سلوکی توسط رومیان از میان رفت (ملکزاده، ۱۳۸۹: ۱۰). به‌طور کلی فرمانروایی سلوکیان بر نواحی باختری حدود ۱۷۰ سال و بر نواحی خاوری کم‌تر از ۷۰ سال دوام آورد. در طول دوره سلوکی، یونانی‌مآب کردن ایران آغاز گردید و جلوه آن در هنر، معماری و شهرسازی متجلی گردید (بیکرمان، ۱۳۶۸: ۱۱۸).

### ساختار سیاسی-اداری سلوکیان

سرزمین پهناور حکومت سلوکی به ۲۵ ساتراپی تقسیم شده بود که هر کدام از آن‌ها دارای قدرت زیادی بودند (کالج، ۱۳۸۸: ۳۶). در رأس این جامعه، شخص شاه قرار داشت که شخصیتی نیمه خدایی برای خود قائل بود. پس از وی، مهم‌ترین طبقه جامعه، نزدیکان و خویشاوندان شاه بودند که در مناصب گوناگون قرار داشتند. پس از این طبقه نیز دوستان شاه از شأن اجتماعی بالایی برخوردار بودند (یارشاطر، ۱۳۶۸: ۸۲). از دیگر طبقات می‌توان به شهرها (ساتراپ‌ها) اشاره نمود. گروه دیگر از طبقات جامعه سلوکی، شامل مسئول جمع‌آوری مالیات و امور مالی با عنوان «آکنوم» است که فعالیت‌های وی، تحت نظر شخص شاه صورت می‌گرفت. بر اساس نوشته‌های گل‌مهری از شهر اوروک در این دوره، از وجود طبقه بردگان نیز آگاه می‌شویم. بر روی گل‌مهر چند اثرمهر مربوط به فروش برده به چشم می‌خورد (Doty, 1979: 195). تشکیلات اداری سلوکیان دارای اصطلاحاتی شبیه به ساختار اداری حکومت بطالسه است. در این تشکیلات کلماتی ایرانی-یونانی دیده می‌شود که از جمله‌ی آن‌ها می‌توان به ساتراپ‌ها، استراتگ‌ها، هیپارخ‌ها، توپارخ‌ها و مریدارخ‌ها برای اداره ایالتی، بازلیگون، اوئبی‌تون پروسودون، پیسکوفولاکس، دیوی کوتس و اویکونوموس برای اداره مالی مرکزی و ایالتی و بازلیکوی دیکاستای

برای دادگاه‌ها و خرئوفولاکس برای متصدیان بایگانی اشاره کرد (روستوفتزف، ۱۳۸۰: ۴۰). شهرهای سلوکی به نسبت دوره هخامنشی با تشکیلات جدیدتری اداره می‌شدند و شورای شهر و عمال دولتی نیز سالانه بر آنان نظارت می‌کردند (پیگولوسکایا، ۱۳۷۲: ۲۱). در این دوره استفاده از سکه نقره در شهرها رفاه اقتصادی ایجاد نمود و بازرگانان یونانی که به‌وسیله اسکندر به ایران آورده شده بودند، از امنیت اقتصادی برخوردار شدند. در دوره سلوکی اقتصاد بسته هخامنشیان به اقتصادی باز و شکوفا مبدل گردید (خادمی‌ندوشن، ۱۳۸۵: ۵۸)؛ همچنین در این دوره، تجارت با شرق و مغرب زمین رونق گرفت و املاک شاهی، خصوصی و املاک متعلق به معابد تقسیم گردیدند (گیرشمن، ۱۳۷۲: ۲۸۰). اثرمهرهای به‌دست آمده از جنوب غرب ایران و میان‌رودان (بین‌النهرین) حاکی از گسترش تجارت و امور بازرگانی در این مناطق از حکومت سلوکی است. این منطقه، پل ارتباط تجارتی میان روم و چین بود. سلوکیه نیز از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین شهرهای تجارتی-بازرگانی این منطقه محسوب می‌شد (یارشاطر، ۱۳۶۸: ۸۵).

### مهر و مهرسازی در دوره سلوکی

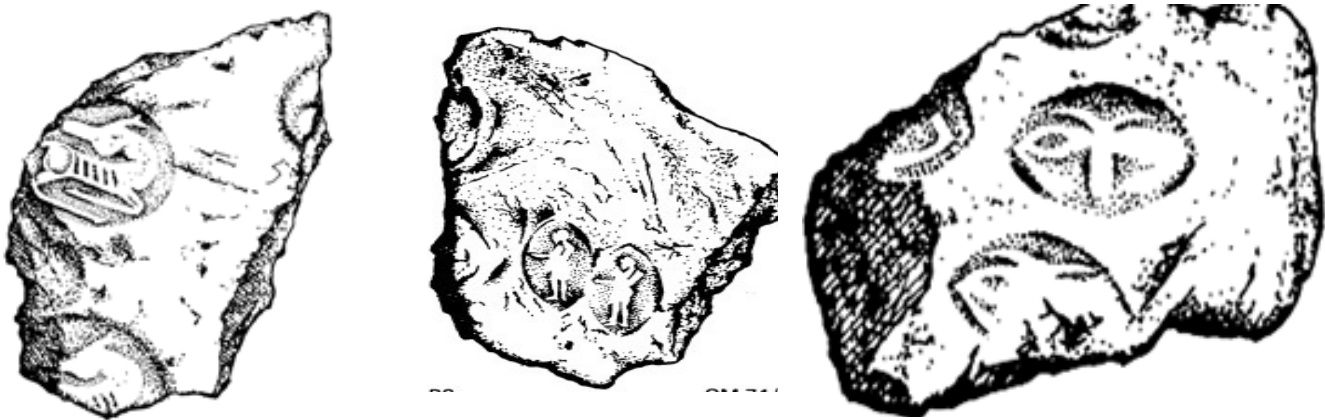
اثرمهر با فشردن مهر بر روی لوح یا سطحی نرم، مانند گل ایجاد می‌شود. با توجه به این که در یافته‌های باستان‌شناسی لوحه‌های دارای چنین اثرمهرهایی حکم امضاء را دارند، اهمیت آن‌ها بسیار زیاد است و این امر حاکی از کاربرد تجارتی و اداری این نوع از اثرمهرها می‌باشد. اثر ریسمان یا گل‌مهرهای سوراخ‌دار نیز نشان‌دهنده کاربری تجارتی آن‌ها است (گوبل، ۱۳۸۴: ۴۵)؛ اما هنر مهرسازی دوره سلوکی دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است که آن را از مهرسازی دوران پیشین خود (هخامنشیان) متمایز می‌سازد. در ابتدای دوره سلوکی و تحت تأثیر هنر یونانی، از مهرهای نگین انگشتری بیضوی و مدور استفاده می‌شد. نکته مهم دیگر منسوخ شدن مهرهای استوانه‌ای بود که به‌مدت چندین هزاره مورد استفاده قرار می‌گرفت؛ به طوری که آخرین مهرها با فرم استوانه‌ای از اوروک دارای تاریخ ۳۱۲ ق.م. می‌باشند و پس از آن حتی یک نمونه از این فرم یا اثرمهر آن به چشم نمی‌خورد (Wallenfels, 1993: 114). اثرمهرهای باقی‌مانده از دوره سلوکی از مناطقی چون: سلوکیه کران دجله، شوش، تل کدش، سیپار، قومس، سلوکیه و هگمتانه به‌دست آمده‌اند.

### معرفی محوطه‌های دوره سلوکی و اثرمهرها

#### قومس

در کاوش‌های سال ۱۹۷۱ م. تعداد ۲۳ اثر مهر به‌دست آمده که بر روی گل‌مهرها برجای مانده‌اند و به همراه آن لقمه مهر نیز به‌دست آمد (Bivar, 1982: 161). بیشتر این آثار متعلق به دوره اشکانی و سه نمونه نیز سلوکی هستند. بر روی اثرمهرهای سلوکی محوطه قومس، علاوه بر حضور شخصیت اصلی، فرد مسئول ثبت و شاهد نیز به چشم می‌خورد. معاملات صورت گرفته بر این آثار، شامل قراردادهای ازدواج، خرید و فروش زمین و آزادی برده است. در معاملات سطح پایین و کم‌اهمیت‌تر اثرمهرها ساده‌تر هستند. در این مواقع، معمولاً گل‌مهرها بیش

از یک اثرمهر دارند، اما همگی متعلق به یک مهر هستند. به نظر می‌رسد در این‌گونه معاملات، تنها شخص رساننده کالا مسئول بوده است. عرضه کالا نیز توسط شخصی قانونی و معتبر صورت گرفته و او مقامی اداری، رسمی یا مذهبی داشت (Bivar 1982: 162). در برخی موارد نیز با در برگرفتن گل‌مهر توسط چندین اثرمهر، می‌توان به این نتیجه رسید که معاملات در حضور افراد متفاوت صورت پذیرفته است. اثرمهرهای سلوکی این محوطه دارای فرم مدور و بیضوی بوده و در بردارنده‌ی نقوش انسانی و حیوانی (غزال یا بزکوهی و پروانه) می‌باشند (Colledge, 1977: 102). جنس گل‌مهرها نیز از گل پخته شده بوده و همگی متعلق به قرن سوم ق.م. هستند (تصویر ۱).



▲ تصویر ۱: اثرمهرهای سلوکی قومس (Bivar, 1982: 172).

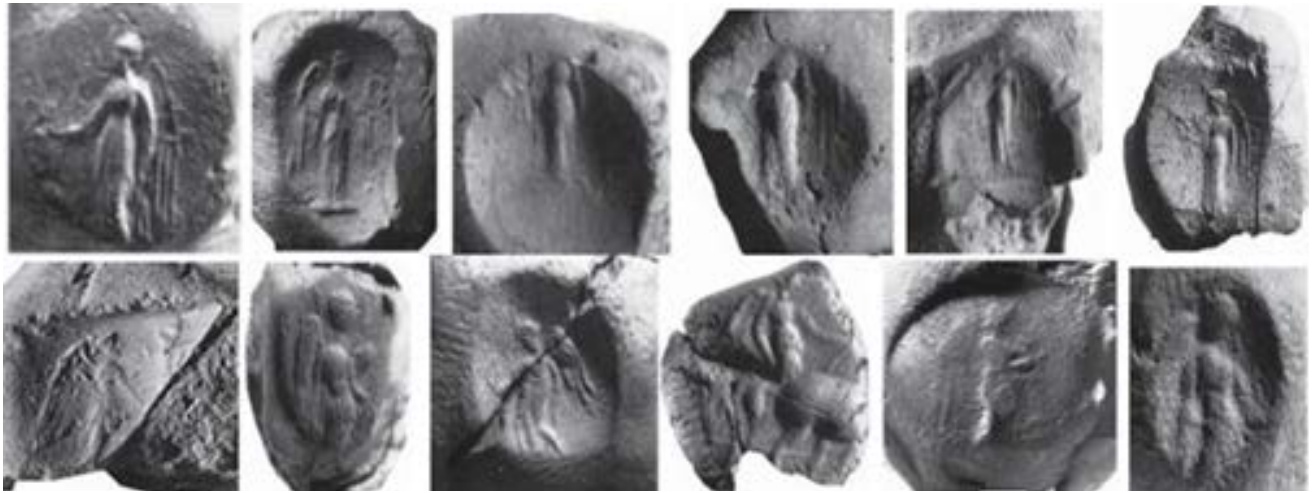
### سلوکیه کران دجله

مجموعه‌ی دیگری از اثرمهرهای سلوکی، طی کاوش‌های هیأت ایتالیایی‌ها به سرپرستی اینورنیتسی، از شهر سلوکیه و آرشیو هلنی این محوطه (بیش از ۲۵۰۰۰ اثرمهر) به‌دست آمده که در همان‌جا ثبت و مهر شده‌اند. این گل‌مهرها مربوط به اسناد قراردادهای خصوصی در حضور یک شاهد امور مالیاتی و تحت نظارت مقام‌های دولتی می‌باشند. بیشتر اثرمهرهای این محوطه، مربوط به قرارداد فروش و مالیات نمک و گزارش پرداخت و معافیت مالیاتی این کالا است. اثرمهرها، متعلق به اواخر سده ۴ ق.م. می‌باشند که براساس نمونه‌های تاریخ‌دار می‌توان به‌طور قطع آن‌ها را متعلق به دوره سلوکی دانست (اینورنیتسی، ۱۳۸۸: ۵۲۲). اثرمهرهای دیگری نیز از بافت معماری سلوکیه به‌دست آمده و توسط مسینا و بولاتی بررسی شده‌اند (Invernizzi 1994). نکته مهم در مورد حضور تصاویر تیچه (Tyche) بر اثرمهرهای سلوکیه این است که الهه مذکور بانوی حامی شهر سلوکیه بوده و با توجه به یونانی بودن بافت این شهر می‌توان از دیداد این نقش را امری عادی تلقی نمود. از دیگر الهه‌های مشهور این شهر نیز می‌توان به الهه نیکه اشاره کرد (Messina, 2006: 18)، (تصویر ۲).

### تل کدش

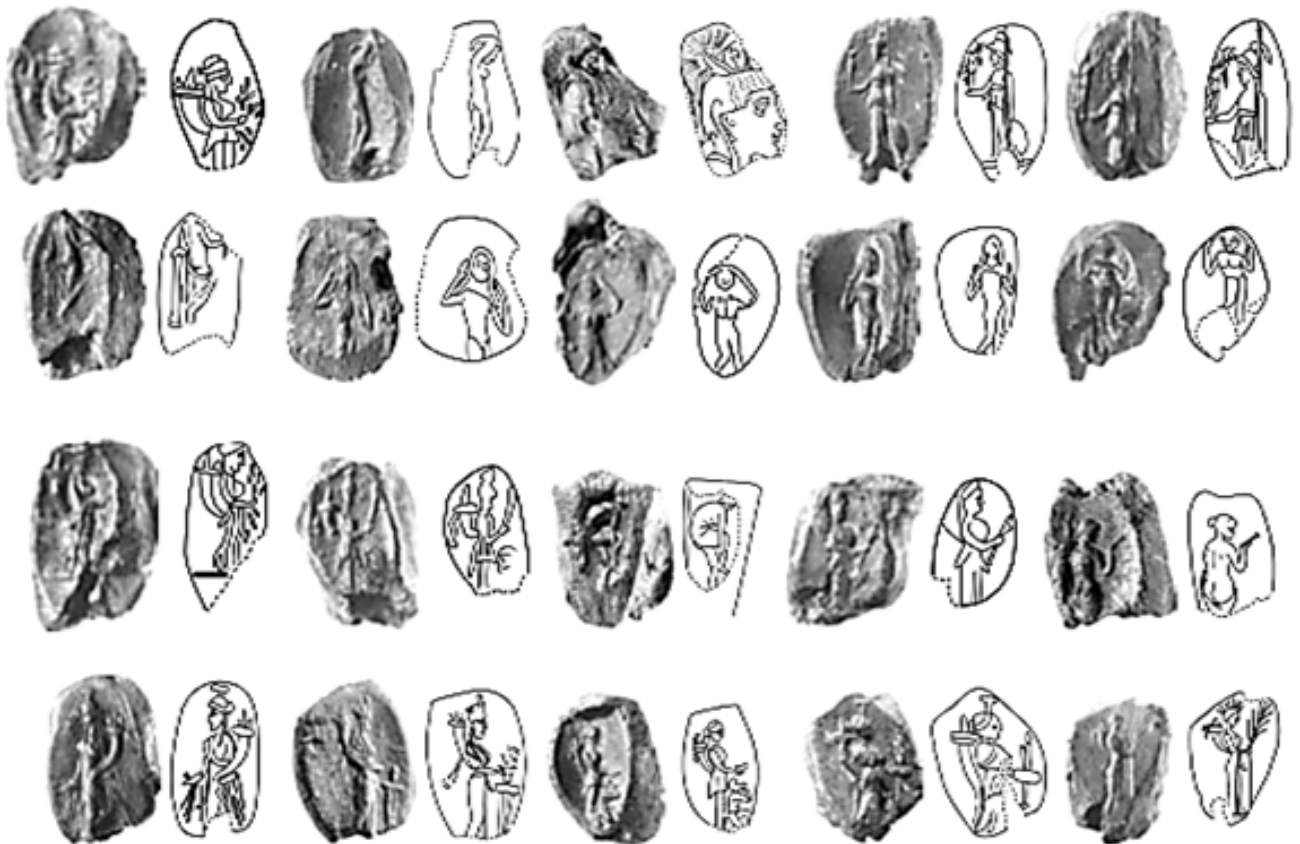
از دیگر محوطه‌های سلوکی دارای اثرمهر، می‌توان از کدش فلسطین اشغالی نام برد که طی کاوش‌های شارون هربرت و از بایگانی‌های آن، اثرمهرهای زیادی با





▲ تصویر ۲: اثر مهرهای بایگانی شهر سلوکیه (Messina, 2006: 18).

نقوش الهه‌های یونانی چون آفرودیت، آتنا و نیکه به‌دست آمده است (Herbert, 2005: 74)؛ وجه مشترک تمامی این الهه‌ها در برهنه بودن آنها است. اثر مهرهای هلنی این محوطه، شباهت زیادی به نمونه‌های مشابه شهر سلوکیه دارند (Bollati & Messina, 2004). تمامی اثرمهرها، دارای فرم بیضی شکل بوده و از جنس گل پخته شده هستند (تصویر ۳).



▲ تصویر ۳: اثر مهرهای مکشوف از بایگانی هلنی شهر کدش (Herberet, 2005: 73-76).

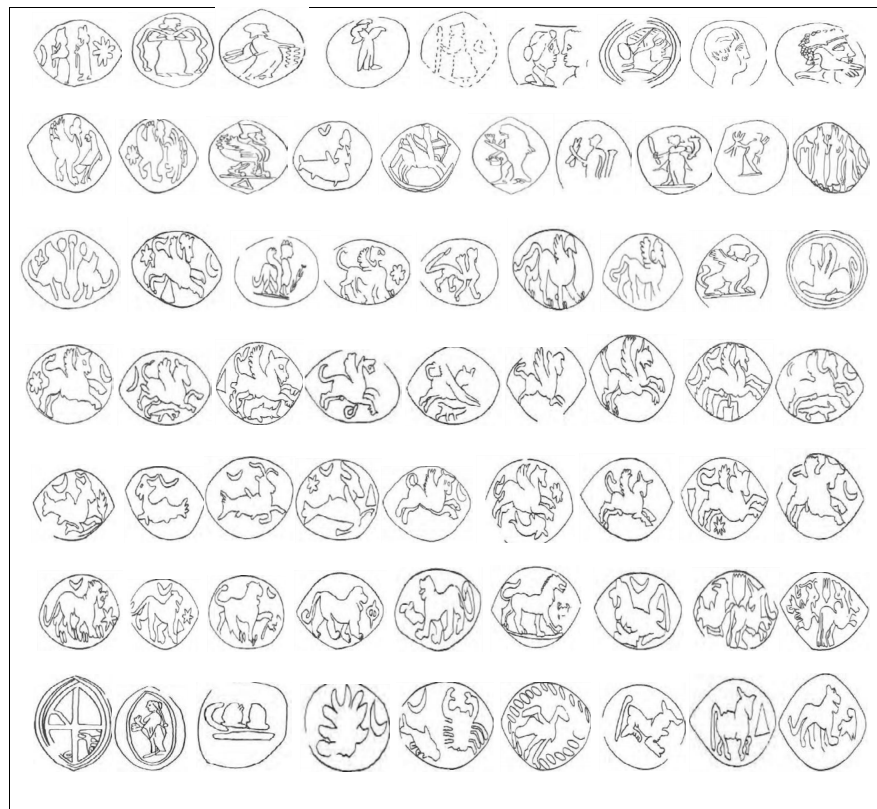
## اوروک

از محوطه‌ی سلوکی اوروک در میان‌رودان نیز بیش از هزار اثرمهر، طی کاوش‌های روالد والنفلس، به‌دست آمده که بر روی تابلت‌های بزرگ گلی با خط میخی ثبت شده و الواح معاملاتی هستند (تصویر ۴). لوح‌های گلی، دارای خطوط میخی بابلی، عموماً مستطیل شامل هستند و تا حدی طویل بوده و عرضی متفاوت از هفتاد و پنج تا صد و بیست میلی‌متر دارند. لوح مرسوم، به‌طور متوسط دارای ده بخش می‌باشد؛ اما تعداد اثرمهرهای روی آن‌ها از چند عدد تا حتی بیست‌وهشت نمونه متفاوت است. لوح‌های دارای مهر، هم‌چنین دارای عناوین شهرهای بابل، بورسیپا، کیش، هورساگ‌کالاما، کوتا، لارسا و اور هستند (Wallenfels, 1993: 114). جدیدترین متون سلوکی اوروک به سال ۱۰۸ ق.م. باز می‌گردد و اثرمهرهای آن منعکس‌کننده هر دو سنت یونانی و بین‌النهرین باستان است (Gibson, 1994: 91).

بیشتر نقش‌مایه‌های این محوطه از اثرمهرهای یونانی-پارسی (هخامنشی)، بابلی و آشور جدید تأثیر پذیرفته‌اند و شامل تصاویر: نیم‌تنه‌های انسانی، خدایان انسان‌گونه، موجودات اساطیری، حیوانات واقعی و غول‌پیکر و نقوش هندسی است (Wallenfels, 1998). روی یکی از اثرمهرها تاریخ ۲۷۵ ق.م. ذکر شده و اطلاعاتی راجع به فروش برده را در بر دارد. بر اثرمهر دیگر روی همین گل‌مهر که از مهری اداری حک شده، نقوش لنگر و کشتی که از نمادهای شاهنشاهی سلوکی هستند، به‌چشم می‌خورد (Doty, 1979: 195). اثرمهرهای اوروک، تماماً دارای فرم بیضوی و مدور و از جنس گل‌پخته شده هستند (تصویر ۵).



▲ تصویر ۴: الواح معاملاتی اوروک (Wal-lenfels, 1998: 130).



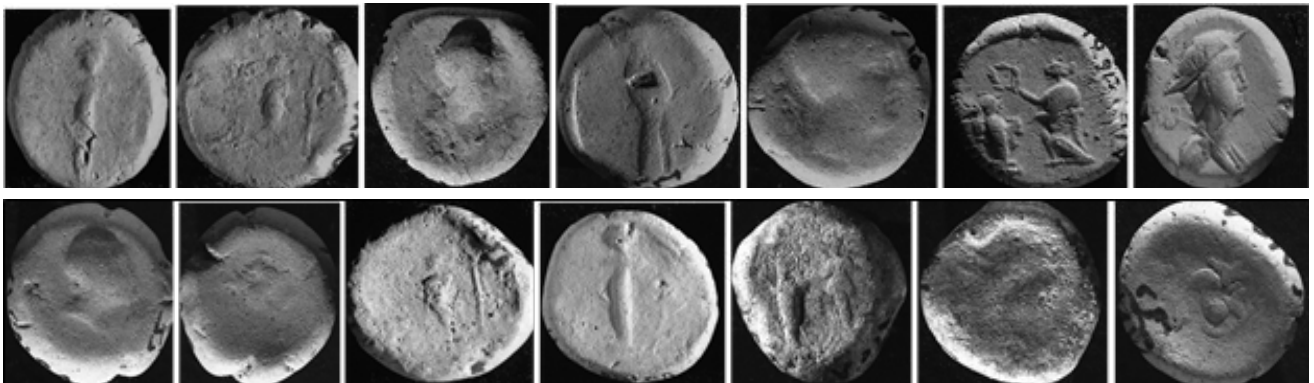
► تصویر ۵: اثرمهرهای به‌دست آمده از بایگانی‌های اوروک (Wallenfels, 1998: 119-140).

**شوش**

در دوره سلوکی شوش، یک مهاجرنشین نظامی بود، اما با تغییر نام شوش به سلوکیه کنار اولائوس جایگاه این مکان از مهاجرنشین نظامی به یک دولت شهر ارتقاء یافت (پاتس، ۱۳۸۸: ۵۵۵). از محوطه سلوکی شوش، اثرمهرهای زیادی طی کاوش‌های گیرشمن به دست آمد که تعدادی از آن‌ها را اونو والا بررسی نموده است (Unvala 1934)، (تصاویر ۶ و ۷). این اثرمهرها دارای فرم مدور و از جنس گل پخته شده هستند و هم اکنون در موزه ملی ایران نگهداری می‌شوند. بیشتر این اثرمهرها



تصویر ۶: اثرمهرهای سلوکی شوش  
 (Unvala, 1934: 242) ◀



▲ تصویر ۷: اثرمهرهای سلوکی شوش  
 (آرشیو موزه ملی ایران).





▲ تصویر ۸: اثرمهر و طرح اثرمهر سلوکی هگمتانه (هژبری، ۱۳۹۱: ۴۳۲).

دارای نقوش تکراری آتشدان، نیمرخ صورت افراد به سبک یونانی، نیایشگران و حیوانات و انسان‌های برهنه و نقوش نامشخص هستند که برخی از این اثرمهرها دارای نقش در دو سمت خود می‌باشند (Guillaume, 1982: 239).

### هگمتانه

از محوطه‌ی هگمتانه نیز یک اثرمهر از جنس گل‌پخته به‌دست آمده که از نظر نقش‌مایه کاملاً شبیه به نمونه‌های کشف شده از شوش است. روی این اثر تصویر شخصی به‌صورت ایستاده از روبه‌رو درحالی نشان‌داده شده که بر چوب‌دستی خود تکیه کرده و نوک پای چپش را به صورت خمیده در کنار پای دیگرش قرار داده است (هژبری، ۱۳۹۱: ۴۳۲)، (تصویر ۸).

### سیپار

آخرین گروه از اثرمهرهای سلوکی، از محوطه‌ی سیپار عراق به‌دست آمده و شامل دو اثرمهر بیضی شکل است که هم‌اکنون در موزه بریتانیا نگهداری می‌شوند. بر روی این دو اثر تصویر نیمرخ سمت راست دو حیوان که شبیه اسب یا سگ هستند، به‌چشم می‌خورد. قسمت سر این دو حیوان نیز محو و نامشخص است (Mitchell & Searight, 197: 2008)، (تصویر ۹).

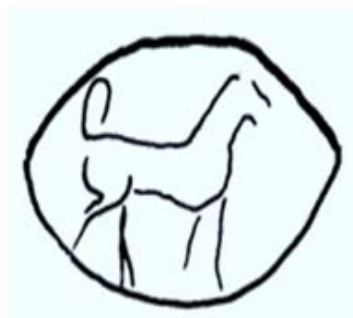
### شناخت ویژگی‌های ظاهری اثرمهرهای دوره سلوکی

شناخت ویژگی‌های ظاهری و فیزیکی اثرمهرهای این دوره اهمیت شایانی داشته، زیرا تعیین جنس اثرمهر، فرم و اندازه آن‌ها در تشخیص کاربری این داده‌ها امری ضروری به نظر می‌رسد. این ویژگی‌ها را می‌توان در سه بخش جنس و فرم، کاربری و نوع حکاکی بر سطح اثرمهرها بررسی نمود.

### جنس و رنگ

در طول زمان، از مواد گوناگون به‌منظور ساخت مهرها استفاده شده است. از آنجایی که این مواد از درجه سختی متفاوتی برخوردارند، ابزارهای حکاکی و ساخت آن‌ها نیز متفاوت می‌باشد. جنس مهرها نیز از سنگ‌های سخت و نرم مانند کالسدون، سنگ‌های قیمتی و گران‌بها چون عقیق قرمز، جگری، سفید و آبی، سنگ مرمر، سنگ کرم، یشم، سنگ آهک، سنگ فیروزه، سنگ شیشه، یاقوت، طلا، سنگ قهوه‌ای و سنگ بلور است. مهرهای محدودی نیز از جنس شیشه و طلا هستند (قاسمی، ۱۳۹۳: ۱۳). از روی اثرمهرها نیز می‌توان تا حدودی جنس مهر را مشخص نمود. به عقیده وان در اوستن، اثرمهرهای دارای نوشته‌های میخی که از محوطه اوروک به‌دست آمده‌اند، از سنگ‌های قیمتی ساخته شده بودند (Von Der 1931: 1931). (Osten).

رنگ مهرها نیز طیفی از رنگ‌ها، نظیر: قرمز، سبز، قهوه‌ای، خاکستری، یاقوتی و ارغوانی را در بر می‌گیرد (Debevoise, 1934: 16); برخلاف مهرهای دوره سلوکی، در اثرمهرها تنوع رنگی وجود ندارد و این نمونه‌ها اغلب بر روی گل‌رس، -زمانی که هنوز نرم بوده است- نقش شده‌اند؛ زیرا این ماده به فراوانی در دسترس بوده



▲ تصویر ۹: اثرمهرهای سلوکی سیپار (Mitchell & Searight, 2008: 197)

است. اثرمهرها در ایران و میان‌رودان در دوره سلوکی بر روی گل رس زده شده‌اند. رنگ گل مهرها نیز به دلیل مواد کانی‌های موجود در آن و یا گاهی به علت حرارت پخت از نخودی، قرمز و آجری تا نخودی مایل به سبز متغیر است. جنس اکثر اثرمهرهای دوره سلوکی از گل پخته شده است، زیرا الواح ممه‌ور دوره سلوکی معمولاً پیش از بایگانی شدن پخته می‌شدند؛ البته در برخی از موارد نیز اثرمهرهایی از گل خام دیده شده است (قاسمی، ۱۳۹۳: ۱۶).

## فرم

اشکال مهرهای دوران سلوکی متنوع است، فرم‌های رایج عبارتند از: مهرهای نیم‌کره‌ای با پایه کوتاه و بلند و نمونه‌های انگشتی؛ اما تغییر مهم شکل مهرها از استوانه‌ای به فرم مسطح به‌ویژه نگین انگشتی بسیار عجیب به نظر می‌رسد، زیرا با آغاز حکومت سلوکی به یک‌باره استفاده از مهر استوانه‌ای از رواج افتاد و انواع مهرهای استامپی جایگزین آن گردیدند (طلائی، ۱۳۹۲)؛ اما از دوره سلوکی ناگهان استفاده از مهرهای نگینی و به اعتقاد کولون، نمونه‌های گوه‌ری رواج یافت (Collon 1987). در دوره‌ی سلوکی بیشتر مهرهای نیم‌کره‌ای با پایه بلند و کشیده مورد استفاده قرار می‌گرفت که اغلب بر روی گل‌مهرهای رسی حک شده و در این حال نقوش آن‌ها کاملاً به‌صورت برجسته نمایان می‌شد (Debevoise 1934). دیوید بیوار، نیز در اشاره‌ای کوتاه به فرم مهرهای سلوکی اظهار می‌دارد، برخلاف مهرهای مسطح دوره اشکانی که به شکل دایره‌ای ساخته می‌شدند، نمونه‌های دوره سلوکی دارای فرم بیضوی بودند (Bivar, 1967:473). در میان مهرهای این دوره اشکال مدور و بیضی شکل نیز به چشم می‌خورند؛ اما به‌طور کلی بیشتر مهرهای این دوره از نوع نگین انگشتی و نیم‌کره‌ای مسطح‌اند و استفاده از مهرهای استوانه‌ای تقریباً به کلی از میان رفته است؛ به عنوان مثال، تمامی اثرمهرهای محوطه سلوکیه بیضی شکل بوده، اما اثرمهرهای به‌دست آمده از آپادانای شوش مدور هستند. اثرمهرهای مکشوف از اروک، هگمتانه، کدش و سپیار نیز دارای فرم بیضوی می‌باشند.

## کاربری اثرمهرها

ویژگی دیگر اثرمهرهای دوره سلوکی نوع کاربری این آثار است. تعیین قطعی کاربری اثرمهرهای این دوره بسیار مشکل است؛ از جمله دلایل این امر می‌توان به عدم وجود کتیبه و نوشته بر روی اثرمهرها و کمبود منابع در این زمینه اشاره نمود. از این‌رو تعیین کاربری این داده‌ها تنها بر پایه حدس و گمان می‌باشد. عدم وجود نوشته بر روی اثرمهر و نبود شواهد متقن بر شخصی و نشان بودن این آثار، می‌تواند دلیلی بر کاربری اداری اثرمهرها باشد (Frey, 1972: 247)؛ اما نظریات جدید در این زمینه تنوع اثرمهرها را دلیل بر کاربری شخصی آن‌ها و عدم تنوع آثار را دلیل بر اداری بودن اثرمهرها ذکر می‌کند (Rothman & Badler, 2011: 77). از سوی دیگر، براساس قوانین سلوکی مهرهای اداری فقط برای اسناد و نامه‌های اداری کاربرد داشتند. به عقیده فرای گل‌مهرهایی که دارای یک اثرمهر هستند، دارای کاربری اداری بوده و گل‌مهرهایی که چندین اثرمهر دارند، حاکی از شراکت در معاملات تجاری می‌باشند (Frey, 1972: 247).

بر اساس نظریات فرای، روتمان و بادلر، می‌توان برای اثرمهرهای شوش کاربرد اداری و برای نمونه‌های قومس کاربرد تجاری - معاملاتی را ذکر کرد. در دوره سلوکی از انواع گل‌مهرها برای بستن نامه‌ها، طومارها، اسناد و محموله‌های تجاری استفاده شده است (Bivar, 1982). اثرمهرهای به‌دست آمده از اوروک نیز با توجه به الواح گلی کتیبه‌دار مربوط به معامله نمک و برده هستند و بر روی آن‌ها نقوش متفاوت و متنوعی دیده می‌شود (Wallenfels, 1998). اثرمهرهای سلوکیه و کدش نیز به مانند نمونه‌های شوش تنوع چندانی ندارند و چند الهه یونانی بر روی آن‌ها نقش شده است و در بایگانی‌های اداری و خصوصی به‌دست آمده‌اند. از این‌رو اثرمهرهای مذکور را نیز می‌توان در گروه نمونه‌های اداری قرار داد؛ به‌طور کلی اغلب اثرمهرهای بررسی شده این دوره کاربرد اداری - معاملاتی داشته و از کارکردهای شخصی، نشان و... خبری نیست.

## حکاکی

آخرین ویژگی ظاهری اثرمهرهای دوره سلوکی نحوه حکاکی و نقش شدن آن‌ها بر روی سطوح گلی است. اثرمهرهای مذکور به دو شیوه گود و برجسته حک و از مهرهای برجسته و عمیق ناشی شده‌اند. اکثر اثرمهرها به شیوه برجسته ایجاد شده که حاکی از مهرهایی با حجاری عمیق و گود هستند. مهرهای دوره سلوکی به نسبت نمونه‌های هخامنشی از برش عمیق‌تری برخوردارند که بیانگر پیشرفت تکنیک حکاکی در این ادوار است. این موضوع به خوبی از نحوه ایجاد اثرمهرها دریافت می‌گردد. هم‌چنین به دلیل استفاده بیش از حد از چرخ در برش، خطوط موازی روی مهرها ایجاد شده و عامل مذکور سبب افزایش تقاضا برای مهرها گردیده است (Debevoise, 1934: 15-16).

## ریخت‌شناسی و تحلیل آماری نقوش اثرمهرها نقوش انسانی، خدایان و الهه‌ها

ریخت‌شناسی نقوش اثرمهرهای سلوکی مورد بررسی قرار گرفته، حاکی از برتری قابل توجه موضوعات انسانی بر دیگر نقش‌مایه‌ها است. از مجموع بیش از ۱۴۴ اثرمهر، نزدیک به ۷۲ اثرمهر دارای تصاویر انسانی می‌باشند؛ اثرمهرهای با نقوش انسانی خود به دو زیر گروه الهه‌های یونانی و انسان‌های مختلف تقسیم می‌شوند. زیرگروه اول، شامل تصاویر الهه‌ها و ایزدان یونانی مانند: آتنا، آفرودیت، تیچه، نیکه، زئوس و ایزدان محلی میان‌رودان از جمله ایزد عدالت، نرگال و آخدای آب می‌شوند. در مجموع، بیش از نیمی از نقوش اثرمهرهای دوره سلوکی را الهه‌ها در اختیار دارند و بیشتر آن‌ها از محوطه‌های اوروک، کدش و سلوکیه به‌دست آمده‌اند، به‌طوری که تمامی اثرمهرهای محوطه‌های سلوکیه و کدش دارای تصاویری با این مضامین هستند. زیر گروه دوم از نقوش انسانی، در بر دارنده تصاویر متفاوت انسانی از جمله مرد و زن‌های ایستاده و نیم‌رخ صورت افراد است. بیشترین نوع این نقوش متعلق به محوطه شوش است که بر اثرمهرهای آن تصاویر نیم‌رخ سمت راست و چپ صورت یک یا دو مرد به‌چشم می‌خورد. برخی از این تصاویر شباهت زیادی به نقوش روی سکه‌های اکراتید، شاه باختر داشته که کلاهی با سبک هلنی بر

سر دارد و شاخه گلی بر روی شانه سمت راست وی به چشم می‌خورد (بیانی، ۱۳۸۹: ۶۹). در برخی از اثرمهرها نیز تصویر نیم‌رخ دو صورت پشت یکدیگر دیده می‌شود که شباهت زیادی به اثرمهرهای رومی به‌دست آمده از محوطه زوگما، در آسیای صغیر دارند (Onal 2007:48). از محوطه‌های شوش و هگمتانه نیز نقوش انسانی ایستاده به‌دست آمده است. اثرمهر سلوکی مکشوف از شهر هگمتانه، طی کاوش‌های محمدرحیم صراف، به‌دست آمده و دارای تصویر انسانی ایستاده بوده که بر چوبدستی خود تکیه کرده و قابل مقایسه با نمونه‌های مشابه شوش است (هژبری، ۱۳۹۱: ۴۳۲).

### نقوش اساطیری

دومین گروه از نقوش اثرمهرها، در برگزیده‌ی مضامین اساطیری است؛ این گروه از تصاویر، شامل نقوش متفاوتی چون: شیردال، اسفنگس، بز-ماهی، موجودات عجیب‌الخلقه و ترکیبی چون انسان-ماهی، گریفون (موجودات افسانه‌ای بال‌دار با سر عقاب و بدن شیر)، گاو و شیرهای بال‌دار می‌شود. در اکثر این اثرمهرها نقوش: ستاره، هلال ماه، مثلث، ترازو، خرچنگ، سنبله گندم، دلفین و روباه برای پر کردن سطوح خالی در حاشیه تصاویر دیده می‌شوند (Wallenfels 1998)؛ اما به اعتقاد کولون، این نقوش به مانند نمونه‌های دوره‌ی آشور، از نوع پرکننده نبوده و به سفارش صاحبان مهرها ایجاد شده‌اند (Collon 1987). وجود نقوشی چون: ترازو، خرچنگ، سنبله گندم و هلال ماه در کنار یکدیگر القا کننده صور فلکی‌اند. به‌عنوان مثال، خرچنگ، نماد اتحاد دو قطب متضاد و برج سرطان است (وارنر، ۱۳۸۶: ۵۲۷). تمامی ۵۰ اثرمهر دارای تصاویر اساطیری، از محوطه اوروک به‌دست آمده و حدود ۳۵ درصد از نقوش اثرمهرهای دوره سلوکی را در بر می‌گیرند.

### نقوش حیوانی

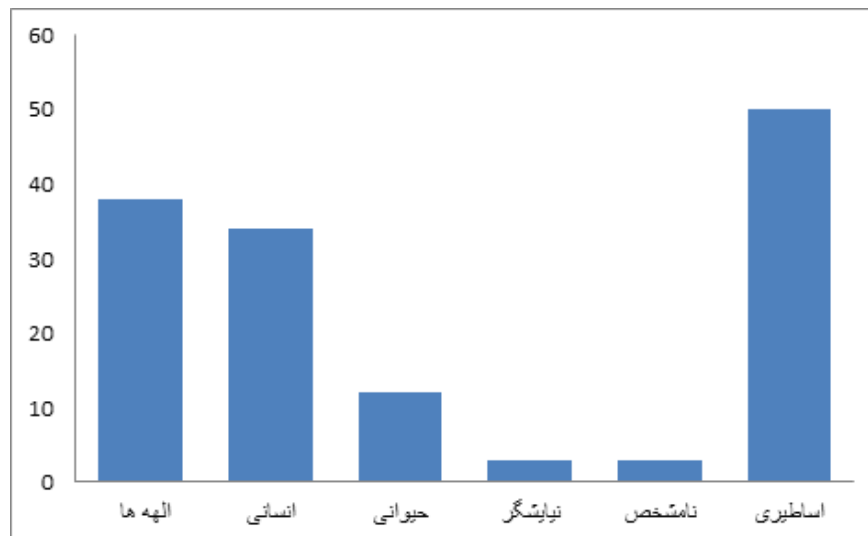
سومین گروه از اثرمهرهای دوره سلوکی، دارای نقش‌مایه حیوانی هستند؛ از میان ۱۴۴ اثرمهر بررسی شده در این مقاله، ۱۲ نمونه مربوط به تصاویر حیوانی است که شامل: پرنده‌ها، روباه، دلفین، سگ، اسب، عقرب، شیر، بزکوهی و خرچنگ می‌شود. بر روی اثرمهرهای اوروک، سیپار میان‌رودان و قومس تصاویر حیوانی حک شده‌اند. نقش‌مایه‌های حیوانی در محوطه‌های سلوکی بسیار کم‌یاب هستند، به طوری که از محوطه‌های شوش، سلوکیه، کدش و هگمتانه حتی یک نمونه از این نقش‌مایه به‌دست نیامده است. در مجموع ۸/۵ درصد از نقوش اثرمهرهای دوره‌ی سلوکی را نمونه‌های حیوانی تشکیل می‌دهند.

### نقوش نیایش‌گر، نامشخص و متفرقه

چهارمین و آخرین مجموعه از نقوش اثرمهرهای این دوره مربوط به گروه نقوش نیایش‌گر، نامشخص و متفرقه می‌باشد که در محوطه‌های اوروک و شوش به چشم می‌خورند که گمان می‌رود، نمونه‌های شوش نوعی نماد باشند؛ به‌طور کلی این گروه از نقوش ۵ درصد از کل نقوش اثرمهرها را در بر می‌گیرد. نقوش متفرقه نیز شامل، نقش‌مایه‌هایی چون لنگرکشتی، صلیب و دایره می‌شود. نقش‌مایه‌های



► نمودار ۱: فراوانی نقش اثرمهرهای دوره سلوکی (نگارندگان، ۱۳۹۳).



محوطه	تعداد	نوع نقش	جنس	کاربری	رنگ	درصد فراوانی
شوش	۴۳	انسانی-حیوانی-نیایشگر-نامشخص	گل‌پخته	اداری	نخودی-آجری	۲۰
سلوکیه	۱۲	الهه	گل‌پخته	اداری	نخودی	۸/۳۳
کدش	۲۰	الهه-انسانی	گل‌پخته	اداری	نخودی	۱۴
اروک	۶۳	اساطیری-انسانی-الهه-متفرقه	گل‌پخته	اداری	نخودی	۴۳
سیپار	۲	حیوانی	گل‌پخته	-	-	۱/۴
هگمتانه	۱	انسانی	گل‌پخته	-	خاکستری	۰/۷۰
قومس	۳	انسانی-حیوانی	گل‌پخته	معاملاتی	آجری-قرمز	۲/۱

► جدول ۱: اطلاعات اثرمهرهای دوره سلوکی (نگارندگان، ۱۳۹۳).

مذکور بر اثرمهرهای به‌دست آمده از اوروک و قومس قابل مشاهده هستند. با توجه به کشفیات و گزارشات کاوش‌های محوطه‌های سلوکی، می‌توان اظهار داشت که به جز محوطه قومس تمامی اثرمهرهای این دوره از مناطق غربی ایران و میان‌رودان به‌دست آمده‌اند. بیشتر اثرمهرها دارای کارکرد اداری-معاملاتی بوده و براساس الواح گلی میخی از دوره‌ی سلوکی اغلب، اثرمهرهایی ناشی از سنگ‌های گوناگون قیمتی بر خود دارند (Van der Osten 1931)؛ همچنین اثرمهرها حاکی از جغرافیای اداری گسترده دوره‌ی سلوکی در مناطق غرب ایران و میان‌رودان هستند. به لحاظ فرم و شکل اثرمهرها نیز می‌توان گفت اکثر نمونه‌های این دوره دارای فرم بیضوی هستند. تمامی اثرمهرهای به‌دست آمده از اوروک و سلوکیه دارای فرم بیضی شکل و اندازه‌های تقریباً یکسان می‌باشند که شاید بتوان آن‌ها را در گروه مهرهای اداری دسته‌بندی نمود و به احتمال زیاد در یک کارگاه ساخته شده‌اند. این نظریه را الواح بایگانی مکشوف از شهر اوروک و پاپيروس‌های شهر سلوکیه تأیید می‌نماید (اینورنیتسی، ۱۳۸۸)؛ از طرف دیگر، هیچ یک اثرمهرهای باقی‌مانده از دوره مذکور نوشته‌ای بر خود ندارند تا به‌صورت قطعی بتوان کارکرد آن‌ها را مشخص نمود. برخلاف دوره‌های هخامنشی، اشکانی و ساسانی که اطلاعات اداری زیاد را می‌توان از روی نوشته‌های مهرها و اثرمهرها دریافت، نمونه‌های این دوره از این قاعده مستثنی بوده و به نظر می‌رسد که نوشته روی مهرها کاربرد چندانی نداشته است. اثرمهرهای

دوره سلوکی به چند دسته تقسیم‌بندی شده‌اند. نوع اول این آثار به Napkin rings مشهور هستند که در میان‌رودان دوره سلوکی مورد استفاده قرار گرفته‌اند. نام دیگر این اثرمهرها، بولا (Bullae) می‌باشد که برای بستن اسناد و محموله‌های تجاری به کار می‌رفتند. نمونه دیگر، برچسب‌ها هستند که به‌وسیله ریسمان به مرسوله مورد نظر ضمیمه می‌شدند که چند نمونه از آن‌ها طی کاوش‌های قومس به دست آمده است (Bivar 1982). گل‌مهرهای بولا، تکه گل‌های دارای اثرمهری بوده که از دوره‌ی سلوکی در میان‌رودان به کار رفته و در ادوار بعد نیز استفاده از آن‌ها ادامه یافت (Bivar 1967). در مورد انتساب اثرمهرهایی به این دوره که بر روی آن‌ها تاریخ و کتیبه‌ای وجود ندارد، مقایسه سر و صورت نیم‌رخ افراد با داده‌های سکه‌شناسی سودمند خواهد بود (Waterman 1931). در مجموع ذکر این نکته شایان توجه است که اثرمهرهای دوره سلوکی به غیر از محوطه قومس که دارای گل‌مهرهایی با کارکرد تجاری و معاملاتی است، نمونه‌های به‌دست آمده از کدش، سلوکیه، اوروک و شوش دارای کاربرد اداری هستند. تعیین کارکرد اثرمهرهای سیپار و هگمتانه نیز بسیار دشوار است؛ زیرا نمونه‌های مذکور دارای کتیبه نبوده و تعداد آن‌ها نیز بسیار اندک می‌باشد. در برخی از موارد نیز با این که نقش مایه‌های مذهبی، مانند الهه‌های یونانی در کدش و سلوکیه دیده می‌شود؛ اما براساس کتیبه‌ها و کشف آن‌ها در بافت بایگانی‌ها فقط می‌توان کارکرد اداری را برای آن‌ها متصور شد (Herbert 2005). اثرمهرهای سلوکی بیشتر دارای نقش مایه‌های انسانی-اساطیری و نمادها بوده و در میان آن‌ها نمونه‌های گیاهی و هندسی کم‌تر دیده می‌شوند. نقوش انسانی نیز بسیار متنوع بوده و شامل انسان‌های ایستاده، نیایش‌گر، نیم‌رخ سر و صورت افراد می‌باشد.

### نتیجه‌گیری

با وجود اهمیت گل‌مهر و اثرمهرها در به تصویر کشیدن جنبه‌های متفاوت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه سلوکی، پژوهش و مطالعه در این زمینه کم‌تر صورت گرفته و محدود به پژوهش‌های اخیر از جمله: والنفلس در اوروک، هربرت در تل کدش فلسطین اشغالی و اینورنیتسی در محوطه سلوکیه می‌شود. از دیگر مشکلات مطالعه و بررسی اثرمهرهای این دوره، عدم تفکیک اثرمهرهای سلوکی با نمونه‌های دوره اشکانی است؛ زیرا با آغاز حکومت اشکانیان از سال ۲۴۸ ق.م، سلوکیان نیز تا نیمه‌های سده‌ی ۲ ق.م، بر نواحی غربی امپراتوری اشکانی حکومت می‌راندند و این هم‌پوشانی باعث شده تا در مطالعات پیشین، اثرمهرهای دو دوره به‌صورت مخلوط بررسی شوند. بیشتر اثرمهرهای دوره سلوکی به غیر از اثرمهرهای قومس، از محوطه‌های غربی حکومت سلوکی به‌دست آمده‌اند، به‌طوری که بیش از ۹۸ درصد آن‌ها از مناطق: شوش، هگمتانه، اروک، سیپار، کدش و سلوکیه کشف شده و به همین علت گمان می‌رود مهر و موم کردن و استفاده از مهر در امور گوناگون در سرزمین‌های غرب حکومت سلوکیان رواج بیشتری نسبت به محوطه‌های شرقی داشته و یا مراکز اداری سلوکی بیشتر در غرب این حکومت واقع شده بودند. تنها محوطه شرقی دارای گل‌مهر و اثرمهر، شهر قومس است؛ البته فواصل این محوطه‌ها از یکدیگر بسیار زیاد بوده و از طرفی محوطه‌های چندان‌ی از دوره سلوکی

در شرق ایران کاوش نشده است. تمامی اثرمهرهای این دوره از مهرهای مسطح بر جای مانده‌اند و به نظر می‌رسد استفاده از مهرهای استوانه‌ای منسوخ شده است. فرم غالب اثرمهرها نیز بیضی شکل بوده، اما نمونه‌های مدور، مستطیلی نیز به چشم می‌خورد. با توجه به اندازه‌های یکسان، نقوش هم‌گون و جنس اثرمهرهای محوطه‌ها، می‌توان اظهار داشت که آن‌ها در بازه زمانی واحد و در مکان‌های مشخص تولید و مورد استفاده قرار گرفته‌اند؛ به‌عنوان نمونه، تمامی اثرمهرهای محوطه‌ی سلوکیه و کدش دارای جنس، فرم و نقش مایه‌های یکسان هستند. اثرمهرهای دوره سلوکی کاربردهای متفاوتی داشته‌اند. در محوطه قومس برای بستن ظروف نگهدارنده کالا و اجناس از آن‌ها استفاده شده است. اثرمهرها بر روی لقمه مهر حک شده‌اند و معمولاً چند اثرمهر مشابه بر روی یک گل‌مهر نقش شده است. در محوطه سلوکی اوروک اثرمهرها بر روی الواح معاملاتی بزرگ حک شده‌اند. در محوطه‌های کدش و سلوکیه نیز اثرمهرهای بسیار زیادی از آرشیه‌های هلنی به‌دست آمده که حاکی از ثبت و بایگانی اسناد اداری-اقتصادی توسط این اثرمهرها است. نکته دیگر، عدم استفاده از کتیبه و خط‌نشته بر روی اثرمهرها می‌باشد و تقریباً حتی یک نمونه‌ی کتیبه نیز بر روی اثرمهرها به چشم نمی‌خورد. به نظر می‌رسد، استفاده از نوشته بر روی اثرمهرها بر خلاف ادوار هخامنشی و ساسانی، کاربرد چندانی نداشته است. با توجه به عمق اثرمهرها، نوع حکاکی و هم‌چنین اندازه‌های آن‌ها، می‌توان جنس مهر و رتبه اجتماعی صاحب اثرمهر را تا حدودی مشخص نمود؛ به‌عنوان نمونه، اثرمهرهای شوش که دارای برجستگی و فرو رفتگی‌های عمیق می‌باشند، از مواد با ارزش پایین‌تر ساخته شده‌اند. از آنجایی که امکان حکاکی عمیق بر سطح سنگ‌های گران‌قیمتی چون عقیق و یاقوت وجود ندارد، گمان می‌رود جنس مهرها، احتمالاً از سنگ‌های پست بوده است. با وجود مضامین مشترک، نقوش اثرمهرهای سلوکی بسیار متنوع بوده و شامل نقش مایه‌های حیوانی، انسانی، نیایشگر، الهه‌های یونانی، هندسی، گیاهی و نقوش نامشخص می‌شود. نقوش اثرمهرها متأثر از نمونه‌های هخامنشی، بابلی، آشوری، یونانی و فرهنگ‌های محلی هستند، اما سهم نقش مایه‌های یونانی چشم‌گیرتر است. محوطه‌های سلوکیه، کدش، هگمتانه، اوروک دارای اثرمهرهایی با تصاویر الهه‌های یونانی چون: نیکه، آفرودیت، نمادهای نجومی، مانند: بز-ماهی، ترازو، سمبله و ماهی هستند. بر روی اثرمهرهای قومس نیز تأثیر فرهنگ هلنی در نقوش طبیعت‌گرایانه‌ی پروانه و غزال آشکار است؛ از طرفی محوطه شوش که از کانون‌های دارای فرهنگ مختلط شرقی-یونانی بوده، با توجه به یونانی‌نشین بودن بافت شهر شوش (سلوکیه اولائوس) اثرمهرهایی با نقش مایه‌های کاملاً یونانی دارد. شاخص‌ترین این نقوش، تصاویر نیم‌رخ صورت افراد با آرایش موی کوتاه یا دارای کلاه و بدون ریش است که با توجه به مقایسه تصاویر با سکه‌های دوره سلوکی می‌توان، آن‌ها را به دوره مذکور نسبت داد. تأثیر نقش مایه‌های هلنی در محوطه‌های میان‌رودان و کدش نیز مشهود است. راجع به تأثیر فرهنگ یونان می‌توان به استفاده از زبان و خط یونانی در شوش اشاره نمود که در زمان اشکانیان نیز در این ناحیه استفاده می‌شده و نمونه بارز آن استل خواسک شهریان شوش است. اکثر اثرمهرهای دوره سلوکی از نوع اداری می‌باشند، زیرا تنوع زیاد نقوش

دلیل برشخصی بودن و عدم تنوع دلالت بر اداری بودن اثرمهرها دارد؛ از طرفی وجود کتیبه یونانی در کنار اثرمهرهای قومس و الواح بایگانی اوروک (خط میخی) این مدعا را اثبات می‌کند. از محوطه‌ی سلوکیه و کدش نیز بایگانی‌های اداری بزرگی به‌دست آمده است. اثرمهرهای این محوطه‌ها مربوط به خرید و فروش برده، قباله زمین، ازدواج، تجارت برده و نمک هستند. مهم‌ترین مرکز بازرگانی دوره سلوکی، شهر سلوکیه در کنار دجله بود که اثرمهرهایی از کارگزاران دولتی از آن به‌دست آمده است. وجود ۲۵۰۰۰ اثرمهر که بیشتر آن‌ها اسناد قرارداد خصوصی در حضور شخصی دولتی است، بیانگر اهمیت اداری-بازرگانی این شهر است. در دوره‌ی سلوکی تجارت غرب و شرق رونق گرفت و بر سر این راه شرق به غرب، محوطه‌هایی چون: قومس، شوش و سلوکیه نیز قرار داشتند. گمان می‌رود، این مراکز با توجه به نقوش هلنی اثرمهرها، با محوطه‌های رومی ارتباط تجاری-بازرگانی داشته‌اند؛ زیرا اثر مهرهای اوروک، هگمتانه و شوش کاملاً شبیه به نمونه اثرمهرهای محوطه‌ی زوگما هستند. نقوش نیم‌رخ صورت افراد، بز-ماهی و عقرب شباهت مثال‌زدنی میان آثار این محوطه‌ها را نشان می‌دهد. از طرفی، شاید بتوان براساس همین اثرمهرها امکان ارتباط تجاری-بازرگانی میان مناطق مذکور را محتمل دانست. زوگما، از شهرهایی بود که در دوره‌ی اشکانی نیز بر سر راه ابریشم قرار داشته و شهری تجاری-بازرگانی محسوب می‌شد. حدس ما بر این است که در دوره‌ی سلوکی با توجه به شباهت نقوش، جنس اثرمهرها و سلوکی بودن بافت جامعه در ناحیه میان‌رودان، مناسبات تجاری بازرگانی گسترده‌ای رواج داشته و شهرهایی که بر سر راه تجاری شرق به غرب قرار داشتند، از این فرصت بهره‌جسته و حد‌اعلای ترقی خود را سپری کرده‌اند؛ زیرا پس از دروه سلوکی و اشکانی به مرور از اهمیت شهرهای سلوکیه، اوروک، کدش و شوش کاسته شده و در عوض تیسفون و بلاشگرد جایگاه ویژه‌ای به‌دست آوردند؛ ضمناً، می‌توان اظهار داشت نمادهای نجومی بر اثرمهرهای منطقه میان‌رودان به‌ویژه اوروک، حاکی از تأثیرات هلنی - محلی و نشان‌دهنده صور فلکی و بروج مختلف سال هستند.

### کتابنامه

- اینورنیتسی، آنتونیو، ۱۳۸۸، نقش‌مایه‌های بابلی بر روی مهرهای کشف شده در سلوکیه دجله، تاریخ هخامنشیان، ترجمه: مرتضی ثاقب‌فر، جلد هشتم، تهران، انتشارات طوس.
- بیانی، ملکزاده، ۱۳۸۱، تاریخ سکه از قدیم‌ترین ازمه تا دوره ساسانیان، جلد ۱ و ۲، تهران، امیرکبیر.
- پاتس، دنیل، تی، ۱۳۸۸، باستان‌شناسی ایلام، ترجمه: زهرا باستی، تهران، انتشارات سمت.
- پیگولوسکایا، نینا، ۱۳۷۲، شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان، ترجمه: عنایت‌الله رضا، تهران، نشر علمی و فرهنگی.
- خادمی‌ندوشن، فرهنگ، ۱۳۸۵، «بررسی سیستم اقتصادی پارتیان با استفاده از روش تجزیه طیف‌سنجی یک مطالعه موردی»، مجله‌ی پژوهش‌های تاریخی، صص ۵۷-۶۸.



- روستوفتزف، م، ۱۳۸۰، «سیاست فراگیر سلوکیان»، ترجمه: نادر میرسعیدی، رشد آموز تاریخ، سال سوم، شماره ۶، صص ۳۶-۴۵.
- طلایی، حسن، ۱۳۹۲، ایران پیش از تاریخ: عصر مس‌وسنگی، تهران، انتشارات سمت.
- قاسمی، رضا، ۱۳۹۳، «مطالعه تحلیلی نقوش مهرها و اثرمهرهای دوران سلوکی و اشکانی»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه تهران.
- کالج، مالکوم، ۱۳۸۸، پارتیان، ترجمه: مسعود رجب‌نیا، تهران، انتشارات سحر.
- گیرشمن، رومان، ۱۳۷۲، هنر ایران در دوره پارتی و ساسانی، ترجمه: بهرام فره‌وشی، تهران، علمی و فرهنگی.
- گوبل، روبرت، ۱۳۸۴، گل‌مهرهای تخت سلیمان (جستاری در مهرشناسی اواخر ساسانی)، ترجمه: فرامرز نجد سمیعی، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، تهران.
- وارنر، رکس، ۱۳۸۶، دانشنامه اساطیر جهان، ترجمه: ابوالقاسم اسماعیل‌پور، تهران، نشر اسطوره.
- ویسهوفر، یوزف، ۱۳۸۹، ایران باستان از ۵۵۰ پیش از میلاد تا ۶۵۰ پس از میلاد، ترجمه: مرتضی ثاقب‌فر، تهران، انتشارات ققنوس.
- هژبری، علی، ۱۳۹۱، بازنگری تاریخ‌گذاری نسبی هگمتانه بر پایه یافته‌های مواد فرهنگی، نامورنامه: مقاله‌هایی در پاسداشت یاد مسعود آذرنوش، به کوشش: حمید فهیمی و کریم علیزاده، تهران، ایران نگار، صص ۴۱۹-۴۳۸.
- Bivar, A. D. H., 1967. A Parthian Amulet, Bulletin of the School of Oriental and African Studies 30 (3): 512-525.
- Bivar, A.D.H., 1982. Seal-impressions of Parthian Qumis, Iran, 20 (4): 161-176.
- Bollati, A., and Messina, V., 2004. Seleucia al Tigri. Le impronte di sigillo dagli archivi, Vol. 2: 40-52.
- Colledge, M., A. 1977, Parthian Art, University of London.
- Collon, D. 1987. First impression cylinder seals in the Ancient Near East, London, the British Museum Press.
- Debevoise, N. C., 1934. The essential characteristics of Parthian and Sassanian glyptic art, Berytus I, pp. 12-118.
- Doty, L. T. 1979, An Official Seal of the Seleucid Period, Journal of Near Eastern Studies, Vol. 38(3) pp. 195- 197.
- Frye, R. N., 1972. Byzantine and Sasanian trade relations with North-east Russia", Dumbarton Oaks Papers 26.
- Gibson, M. C., 1994. Parthian seal style: a contributor from Nippur, Mesopotamia, 29: 89-105.
- Guillaume, O., 1982. Nouvelles Tesserres de Suse. In: Syria. Tome 59 fascicule 3-4, pp. 239- 256.
- Herbert, S.C., and Brelin, A., 2003. A new administrative center for Persian and Hellenistic galilee: preliminary report of the University of Michigan \University of Minnesota excavations at Kedesh, Bulletin of the American Schools of Oriental Research: Vol. 15. pp. 13- 59.
- Herbert, S.C., 2005. The Hellenistic Archives from Tel Kedesh (Israel) and Seleucia-on-the Tigris (Iraq). Bulletin of the University of Michi-

gan Museums of Art and Archaeology. Vol.15: 65-86.

- Invernizzi, A., 1994. Appunti sulla cultura ellenistica nell'impero Seleucide, *Topoi*.4/2.pp.521-530.
- Messina, V., 2006. Nike on the Clay Sealings from Seleucia on the Tigris, Roma: Vol .6:10-27.
- Mitchell, T.C. and Searight, A., 2008. Catalogue of the Western Asiatic seals in the British Museum, Leiden, Brill.
- Onal, M., 2007. Deities and cultures meet on the Seal impressions in Zeugma, Roma, vol. sp. pp.25-50.
- Pittman, H. 1987. Ancient art in Miniature, New York: Metropolitan Museum of art.
- Rothman, M. S., and Badler, V. R., 2011. Contactand development in Godin Period VI, in: Gopnik H., and Rothman, M.S., (eds.), on the high road: the history of Godin Tepe Iran, *Bibliotheca Iranica, Archaeology, Art and Architecture* Vol. 1: 65-139.
- Osten, V. D., 1931. The ancient seals from the Near East in the Metropolitan Museum: old and middle Persian seals, the *Art Bulletin*, Vol.13 (2): 221- 241.
- Unvala, J.M., 1934. "Tesseret Medaillons frustes", *MDP*, 25: 44-239.
- Wallenfels, R. 1993. "Private Seals and Sealing Practices at Hellenistic Uruk," *BCH*. vol.29.pp. 113-132.
- Wallenfels, R., 1998. *Seleucid Archival Texts in the Harvard Semitic Museum*, Published by Brill.

marriage contracts and some information of selling and buying lands and releasing slaves. The other collection of Seleucid seals was uncovered from the excavation of Seleucia under the supervision of Invernizzi. These bullae belong to some private contracts concluded under the presence of a tax observer or a government employee. All Seleucid seals impressions except for the ones found from Qumis, were uncovered from western territory of Seleucids. More than 98 percents of them are from Susa, Uruk, Sippar, Kedesh and Seleucia which can lead us to this idea that the use of seals was more frequent in the western parts of Seleucid territory or maybe the administrative centers were all concentrated in western areas. The only eastern site containing seals and seal impressions is Qumis in interior Iran.

The present paper tends to study the function of seal impressions in political-administrative context of Seleucids and also to analyze some of motifs which can be helpful for comparative researches on the Seleucid seal impressions. Moreover, the comparative study on the similarities exist between form, inscription and the iconography together among the seals enabled us to locate some undetermined seal impressions in the same chronological horizon since some seal impressions from some sites have been found in their archaeological contexts and dated to the Seleucid period. From iconographical view as mentioned before Seleucids iconography repertoire have been in use in various artistic media of that period. In some cases, comparison with coins or other material culture made possible to put the impressions in their true chronological orders.

**Keywords:** Seleucid, Seal and Seal Impressions, Iconography, Decorative Motifs, Bullae,

PAZHESH-HA-YE  
BASTANSHENASI IRAN  
Archaeological Researches of Iran  
Journal of Department of Archaeology  
Faculty of Art and Architecture  
Bu-Ali Sina University

---

## Study and Typology Analysis of Motifs of Seal Impression of Seleucid Period

---

**Kamal Aldin Niknami**

Professor, Department of Archaeology in University of Tehran

**Reza Qasemi**

Ph.D. Candidate in Archaeology, University of Tehran

r.ghasemi.64@ut.ac.ir

**Rezvan Rezaei**

M.A. Student in Archaeology, University of Tehran

Received: 2014/12/14 - Accepted: 2015/12/16

### Abstract

Documenting seal impressions has a great importance in archaeological researches. The analysis of Seleucid seal impressions provide a wealthy information which is really needed due to the lack of archaeological recognition of this era. This article presents the study of more than 44 seal impressions from different areas of Seleucid territory. There have been a number of scholars such as Colledge, Osten, Collon, Bivar, Messina and Invernizzi interested in to study the Seleucid seals collected mainly from the western parts of the Seleucid territories, but in Iran an extensive analysis could not be comparatively possible because, here there are an small number of seals and seal impressions have been explored. There is a variety of motifs on these seals including: human motifs, Greek goddesses, different animals, mythical and geometric motifs, of which the human motifs are seen to be dominantly used on about half of the seal collections. Mythical motifs have also found in abundance. These mentioned designs are mostly identified from the archives of Uruk in Mesopotamia generally representing the mythical motifs. Seal impressions found from Susa in southwestern Iran are circular with animal/human designs in profile and unidentified figures which were studied by Unvala. These seals were all influenced by Achaemenid, Assyrian, Babylonian and Greek arts. During Seleucid period unlike the Achaemenid, the cylindrical seals vanished and they were replaced by signet sing stamp seals. They have been mostly in elliptical shape and rarely in circular forms. Most of these seal impressions were uncovered from scientific excavations such as in Seleucia, Uruk, and Kedesh. The seals of these 3 sites were all found with written documents which reveal a wealth of information on art and economy of Seleucid era. The transactions written on these bullae including